

سنجش قرائت و معیارهای اختیار آن از نگاه ابن شنبوذ*

زهرا قاسم‌نژاد** و مریم جدادی***

چکیده

ابن شنبوذ از اندیشمندان حوزه قرائت قرآن در قرن چهارم است که معتقد بود هر قرائتی دارای سند و یا موافق مصحف اُبی بن کعب و ابن مسعود باشد، در نماز و غیر آن جایز است. ابن مجاهد هماهنگی قرائت با رسم مصحف را از شروط قرائت صحیح می‌داند و معتقد است قرائت ابن شنبوذ فاقد این شرط است؛ بنابراین قرائت ابن شنبوذ از قرائات شاذ است که جایز نیست قرآن را با آن قرائت خواند. تاریخ قرائات نشان می‌دهد پس از توحید مصاحف زمان عثمان دو جریان قرائی در جامعه اسلامی شکل گرفت. عده‌ای معتقد بودند قرائت صحیح باید با رسم مصحف سازگاری داشته باشد و عده‌ای این شرط را لازم نمی‌دانستند. ابن شنبوذ و ابن مجاهد از بزرگان این دو طیف قرائی در قرن چهارم هستند که با توجه به نفوذ ابن مجاهد، جریان قرائی ابن شنبوذ به حاشیه می‌رود. پژوهش حاضر با تکیه بر این پرسش که معیارهای ابن شنبوذ چه بود و در سنجش قرائت، خوانش وی چه میزان هماهنگی با قراء سبعه دارد؟ با روش توصیفی تحلیلی و گاه مقایسه‌ای به موضوع پرداخته است. بررسی قرائت ابن شنبوذ و معیارهای وی در اختیار قرائت نشان می‌دهد اولاً مراد ابن مجاهد از عدم هماهنگی قرائت ابن شنبوذ با رسم مصحف، پابندی وی به نقل قرائت ابن مسعود و ابی بن کعب و سایر صحابه بوده است و از سویی ابن شنبوذ تنها در مواردی انگشت شمار قرائتش در اصول و فروع قرائی با قرائت سبعه هماهنگ نیست.

واژگان کلیدی: قرآن، قرائت، ابن شنبوذ، ابن مجاهد، معیار، اختیار.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۳ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۴/۱۹.

**. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز (z_ghasemi62@yahoo.com).

***. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز - نویسنده مسئول (Jaddadi_maryam@yahoo.com).

مقدمه

بحث قرائت قرآن کریم از مباحث جنجالی در تاریخ قرآن کریم بعد از زمان رسول گرامی اسلام است که جمع قرآن در زمان عثمان نیز برای از بین بردن اختلاف قرائات بود؛ اما آنچه در عمل دیده می شود توحید مصاحف عثمان نیز نتوانست مسأله اختلاف قرائات را از بین ببرد و در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم علم قرائات شکل گرفت و اساتید قرائت به ضبط و نقد روایات مربوط به قرائت و گزینش روایات صحیح، قرائت ویژه‌ای به مردم عرضه کردند. با این ترتیب در مناطق مختلف جهان اسلام افرادی به عنوان استاد قرائت مشهور بودند و مردم قرائت آن‌ها را فرا می گرفتند.

در قرن دوم قرائات مختلفی روایت می شد تا قرن سوم که دانشمندان این علم بر آن شدند تا این علم را جمع آوری نمایند. با جمع قرائت‌های مختلف قطعاً مسأله اختیارگرایی نیز به وجود می آید؛ زیرا عملاً خواندن با همه آن قرائت‌ها امری ممکن نیست و هر کس با توجه به معیارها و مبانی خود قرائات را به سنجش گذاشته و قرائتی را اختیار می نماید. مسأله اختیارگرایی، تحدید قرائات را نیز سبب می شود و هر یک از صاحب نظران در منابع خود برخی از قرائات را گزینش و جمع آوری نمودند. ابوعبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴ق). اولین فردی بود که قاریان را ۲۵ نفر قرار داد. پس از او احمد بن جبیر بن محمد کوفی (م ۲۵۸ق) مقیم انطاکیه کتابی در قرائات پنج‌گانه جمع آوری کرد و از هر شهری یک نفر را معرفی نمود. نفر سوم قاضی اسماعیل بن اسحاق مالکی (م ۲۸۱ق) بود که قرائت ۲۰ تن را جمع نمود. پس از وی محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق) و ابوبکر محمد بن احمد بن عمر داجونی (م ۳۱۴ق) در قرائات کتابی را جمع آوری نمودند. اما تألیف این کتاب‌ها و گزینش چند قرائت دلیل بر اجبار مردم به این قرائت‌ها نبود؛ بلکه مردم هر بومی به قرائت رایج، قرآن را می خواندند تا قرن چهارم که ابن مجاهد با توجه به منطقه‌های مختلف هفت قاری را گزینش و قرائات را منحصر به سبع نمود و با تکیه بر وجهه سیاسی خود و ارتباط با وزیر توانست به کار خود رسمیت بخشیده و حتی مخالفین با قرائات سبعة را نیز مجازات نماید (ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، ۱۴۲۹: ۵۴-۵۶/۲). کار ابن مجاهد کاری نو و بدیع نبود آن‌گونه که در تاریخ این عمل وی مهم دانسته شده است؛ زیرا قبل از وی احمد بن جبیر از هر یک از مناطق پنج‌گانه مدینه، مکه، کوفه، بصره و دمشق که مهد قرائات بودند، یک قاری را گزینش و در نهایت پنج قرائت مشهور را جمع آوری نموده بود و تنها عمل ابن مجاهد انحصار قرائت به

هفت بود که آن هم نمی‌تواند توجیه علمی و منطقی داشته باشد؛ زیرا مهد قرائات همان پنج بوم هستند تنها از بوم کوفه با این‌که قرائت حمزه رایج بود؛ اما ابن مجاهد عاصم و کسایی را نیز به عنوان قاریان کوفه ذکر کرده است.

پس از انحصار قرائات توسط ابن مجاهد، تاریخ قرائات برخورد ابن مجاهد و ابن شنبوذ را به عنوان مهم‌ترین حادثه قرائی قرن چهارم ثبت نموده است. ابن شنبوذ از قاریان برجسته قرن چهارم در بغداد است که اطلاع وسیعی بر دانش قرائات و منابع قرائی داشته است؛ اما با این وجود از قرائت وی و تحلیل قرائتش چیزی بیان نشده است. آن چه در منابع تاریخ قرآن، علوم قرآن و قرائات و تراجم از ابن شنبوذ و برخورد سخت ابن مجاهد و ابن مقله با وی بیان می‌شود این مسأله را در ذهن مخاطب ایجاد می‌نماید که ابن شنبوذ خوانشی اجتهادی از متن قرآن را ارائه می‌نموده است و اعتقادی به تکیه بر مطابقت با رسم الخط مصحف نداشته است و همین مسأله سبب بروز اختلاف بین ابن مجاهد و ابن شنبوذ شده است.

پژوهش حاضر بر آن است تا با مرور اصول قرائی و فرش الحروف ابن شنبوذ رویکرد وی را به قرائت قرآن کریم و جایگاه او را در میان قاریان برجسته قرن چهارم تبیین و به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

- ۱- ابن شنبوذ در اصول و فروع قرائی تا چه میزان قرائتش با قرائات سبعة هماهنگی دارد؟ و در چه مواردی قرائتش بر خلاف قرائت قراء سبعة بوده است؟
- ۲- ابن شنبوذ به عنوان یکی از دانشمندان و صاحب نظران در حوزه قرائات قرآن کریم در قرن چهارم بر چه معیارهایی در انتخاب قرائت مقبول تکیه دارد؟
- ۳- آیا مخالفت وی با مصحف امام مسأله‌ای نو و جدید است که ابن مجاهد را بر علیه وی برانگیخته یا این امر در گذشته نیز رواج داشته است؟

پاسخ به این پرسش‌های زمانی ممکن است که قرائت ابن شنبوذ مورد سنجش واقع شود تا بتوان مفهوم ابن شنبوذ از اختیار قرائت را به دست آورد و به این مهم نیز دست یافت که چگونه فردی چون وی که عالم به قرائت قرآن کریم است خوانش اجتهادی متن مقدس قرآن را جایز می‌داند.

با توجه به پرسش‌های مطرح شده پژوهش پیش‌رو پس از بیان زندگی نامه ابن شنبوذ قرائت‌های منحصر به فرد ابن شنبوذ در اصول و فروع قرائی را بیان آن‌گاه معیارهای وی در سنجش قرائت مورد تحلیل و ارزیابی واقع می‌شود.

پیشینه

درباره پیشینه موضوع و تحقیق باید گفت: کتاب و مقاله مستقلی در خصوص ابن شنبوذ و قرائت وی تألیف نشده است. تنها منابع تاریخ و تراجم را می‌توان دید که مختصری از زندگی ابن شنبوذ و تنش میان وی و ابن مجاهد را مطرح کرده‌اند. آنچه می‌تواند به عنوان پیشینه بحث مورد توجه قرار گیرد، کتاب‌های متعددی چون «إتحاف فضلاء البشر فی القرائات الأربعة عشر» و «معجم القرائات» عبداللطیف الخطیب است که از اختلاف قرائت و مستندات آن صحبت می‌نماید. همچنین دایرة المعارف بزرگ اسلامی نیز در ارائه اطلاعات مربوط به ابن شنبوذ قابل استفاده می‌باشد. مقاله‌ای توصیفی نیز با عنوان «ابن شنبوذ ومظاهر قرائته بین القرائات القرآنیة» توسط سامی الماضی در مجله کلیة الآداب شماره ۱۰۲ به چاپ رسیده است. البته این نوشتار بیشتر جنبه توصیفی دارد و تنها قرائت‌ها را استخراج کرده است در حالی که پژوهش حاضر تکیه‌اش بر معیارهای قرائت ابن شنبوذ و سنجش قرائت وی است.

زندگی‌نامه ابن شنبوذ

أبو الحسن محمد بن أحمد بن ایوب بن الصَّلْت (د ۳۲۸ق/ ۹۳۹م)، معروف به اِبْن شَنْبُوذ از قراء صاحب اختیار بغداد است. نام وی به شکل‌های ابن شَنْبُوذ و ابن شَنْبُوذ نیز ثبت شده است (زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۹/ ۴۳۱). آنچه بیش از همه در مورد زندگی وی در تاریخ نقل شده است اختلاف او با ابن مجاهد بر سر معیارهای سنجش قرائات است. او از صاحب نظران و دانشمندان برجسته‌ای است که در دانش قرائت رنج سفر را تحمل نموده است. به مصر و شام سفر کرده و از شیوخی چون قُنبُل مَکّی و محمد بن شاذان قرائت آموخته و از ابومسلم کَجّی، بشر بن موسی، محمد بن حسین حینی، اسحاق بن ابراهیم دَبّری و عبدالرحمان بن جابر کلاعی حمصی روایت کرده است (خطیب، التفسیر القرآنی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۰؛ ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، ۱۴۲۹: ۲/ ۵۲). ابن شنبوذ از اینکه برای فراگیری علم قرائت به بلاد مختلف سفر کرده بود، بر ابن مجاهد فخر می‌فروخت (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۲۲-۲۲۴). ابن الجزری گفته است: «همان‌طور که در بین اقران و هم‌گنان اتفاق می‌افتاد، بین ابن مجاهد و ابن شنبوذ نیز اختلاف افتاد، تا آن‌جا که ابن شنبوذ کسی را که شاگردی ابن مجاهد را می‌داشت به شاگردی نمی‌پذیرفت و می‌گفت این شخص پاهای خود را در راه کسب دانش به غبار نیالوده است (ابن جزری، غایة النهایة، ۱۴۲۹: ۲/ ۵۴-۵۶).

ذهبی نیز تأیید می‌کند که ابن شنبوذ بیش از ابن مجاهد استادان این علم را درک کرده (همان) و برخی هم در مقام مقایسه علمی بین آن دو، ابن شنبوذ را دانایتر از ابن مجاهد و ابن مجاهد را عاقل‌تر از وی دانسته‌اند (همان). ابن جزری به نقل از ابوالفرج المعافی، شاگرد ابن شنبوذ، قدرت حافظه و احاطه وی به علوم مختلف را ستوده است (همان، ۵۵). ابوالفرج المعافی می‌گوید: «روزی نزد ابن شنبوذ رفتم در مقابل وی انبوهی از کتاب قرار داشت. به من گفت: در کتاب‌خانه را باز کنم، گشودم. در آن کتاب‌خانه قفسه‌هایی بود و در هر یک، کتاب‌های خاص یک فن و یک علم قرار داشت و من هیچ کتابی را بر نداشتم و نگشودم، مگر این‌که ابن شنبوذ، آن را همانند سوره حمد از بر می‌خواند وی آنگاه گفت: با این حال، بازار داغ از آن ابن مجاهد است (همان).

او در علم قرائت از شهرت بسزایی برخوردار بود (ابن خلکان، وفات الاعیان و انباء ابننا الزمان، بی‌تا: ۲۹۹/۴)؛ تا آنجا که از او با القابی چون شیخ اقراء در عراق (ذهبی، معرفه القرائ الکبار علی الطبقات والاعصار، ۱۴۰۴: ۲۲۱/۱)، استاد بزرگ (ابن جزری، غایة النهایة، ۱/۱۲۲ و ۵۲/۲)، شیخ المقرئین (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۳: ۱۵/۲۶۴) و شیخ القراء (همو، ۳/۸۴۴) یاد کرده‌اند (ضیائی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷: ۴/۱۳۸۶). ذهبی ابن شنبوذ را توثیق کرده و گوید که او فردی صالح، متدین و در علم قرائت متبحر بوده است (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۳: ۲۲۲/۱). ابن جزری نیز او را توثیق کرده (ابن جزری، غایة النهایة، ۱۴۲۹: ۵۲/۲؛ همو، ۲۰۰۶: ۱/۱۲۲) و درباره وی گفته است که هیچ یک از رجال شناسان، روایات شاذ وی را سبب جرح و ضعف در عدالت او ندانسته‌اند (همان، ۱/۱۲۳). ابن عماد هم با استناد به اینکه ابن شنبوذ مجتهد بوده، به گونه‌ای دیگر از او دفاع کرده است (همان، ۲/۳۱۳)، اما شهاب‌الدین قسطلانی ابن شنبوذ را مستحق آن عقوبت دانسته و در توجیه آن گفته است که اجماع اصولیان و فقیهان بر آن است که قرائت شاذ را جزء قرآن نمی‌توان به شمار آورد، زیرا فاقد شرط تواتر است و همه علما قرائت شاذ را تحریم کرده‌اند (همان، ۱/۷۲-۷۵). در قرائت کسانی چون ابوبکر بن مقسم، معافی بن زکریا و در حدیث محدثانی چون ابوبکر بن شاذان و عمر بن شاهین از او روایت کرده‌اند (خطیب بغدادی، تاریخ بغدادی، ۱۳۴۹: ۱/۲۸۰؛ ابن جزری، غایة النهایة، ۱۴۲۹: ۲/۵۳-۵۴). سمعانی زیر عنوان «شنبوذی» دو تن از شاگردان ملازم ابن شنبوذ به نام‌های ابوالفرج محمد بن احمد بن ابراهیم شنبوذی و ابوالطیب محمد بن احمد بن یوسف بن جعفر شنبوذی، معروف به غلام ابن شنبوذ را آورده است (ابن جزری، غایة النهایة، ۱۴۲۹: ۸/۱۵۷-۱۵۹). از تألیفات او فعلاً اثری در

دست نیست، تنها آثاری با این عناوین به وی نسبت داده‌اند مثل: ما خالف فيه ابن كثير
 اباعمر، قراءه على عليه السلام، اختلاف القراء، شواذ القرائات و کتابی در قرائات شاذی که اختیار کرده
 بوده است (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۳۵).

قراآت ابن شنبوذ

آن چه از قرائت ابن شنبوذ در منابع دانش قرائات و تراجم و تاریخ نقل شده است حاکی از
 گرایش ابن شنبوذ به سنت شکنی در نحوه قرائت قرآن کریم است؛ زیرا وی هر قرائتی را که
 دارای سندی معتبر و یا موافق مصحف اُبی بن کعب، و ابن مسعود بود، در نماز و غیر آن جایز
 می‌شمرد (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۲۰۰۶: ۱/۱۲۳؛ ذهبی، معرفه القراء الکبار،
 ۱۴۰۴: ۱/۲۲۲). و حتی گاهی خود او نیز در نماز آنها را با صدای بلند قرائت می‌کرد (یاقوت
 حموی، البلدان، ۱۹۹۵: ۱۷/۱۷۱). به همین سبب مورد اعتراض مقریان هم عصر خود واقع
 شد و از آن جمله ابوبکر محمد بن قاسم انباری در رد نظرات او کتاب نقض مسائل ابن شنبوذ
 را نوشت. او در اواخر عمر به خشم قاریان عصر خود گرفتار آمد و بنابر نوشته‌ی صولی (همان،
 ۱۷/۶۲-۶۳) وقتی خبر ترویج قرائات شاذ توسط ابن شنبوذ به خلیفه عباسی، و بنابر نوشته
 برخی (یاقوت، ابن خلکان، همان جا) به ابن مقله وزیر رسید، او ابن شنبوذ را به خانه خویش
 احضار کرد. در این مجلس که ابن مجاهد و گروهی از قاضیان و فقیهان بغداد نیز حضور
 داشتند (صولی، همانجا)، وزیر در برابر حاضران و شهود به مناظره با ابن شنبوذ برخاست. ابن
 شنبوذ اتهامات منتسب به خود را پذیرفت و به دفاع از آنها پرداخت و به ترک قرائات شاذ تن در
 نداد، اما پس از تحمل ۱۰ ضربه شلاق از کردار خود تبری جست و توبه‌نامه‌ای به خط خود
 نوشت (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۲۹: ۱/۲۸۱-۲۸۰). اکثر مورخان در وقایع سال
 ۳۲۳ق/۹۳۵م به این حادثه با کمی اختلاف اشاره کرده‌اند (ابن جوزی، زادالمسافر، ۶/
 ۳۰۷-۳۰۸؛ ابن خلکان، وصیات الاعیان، بی‌تا: ۴/۲۹۹-۳۰۰). یاقوت به نقل از ابویوسف
 عبدالسلام قزوینی صاحب کتاب افواج القراء این واقعه را معلول سعایت ابن مجاهد دانسته
 است (یاقوت حمودی، البلدان، ۱۹۹۵: ۱۷/۱۷۱-۱۷۰). پس از این مجلس از بیم برپاشدن
 فتنه و کشته شدن ابن شنبوذ به دست مردم بغداد، وی را مخفیانه به مدائن فرستادند (ابن
 خلکان، وصیات الاعیان، بی‌تا: ۴/۳۰۱؛ صفدی، الوافی بالوفیات، ۱۹۴۹: ۲/۳۸). به گفته
 یاقوت او پس از دو ماه تبعید در مدائن پنهانی به منزل خود در بغداد بازگشت (همانجا). ابن
 کثیر تبعیدگاه وی را بصره ذکر کرده است (ابن کثیر، البدایة و النهایة، ۱۴۰۷: ۱۱/۱۸۱).

حال جای این پرسش باقی است که تا چه میزان ابن شنبوذ به قرائت‌های شاذ تمایل داشته است؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان از بررسی اصول و فروع قرائت او به دست آورد. قرائت ابن شنبوذ از دو طریق به ما رسیده است در یک طریق وی از قبل از احمد بن محمد القواس از شیل بن عباد از ابن کثیر نقل نموده است و در طریقی دیگر ابن شنبوذ قرائت را از ابن محیصن از ابی بن کعب از رسول گرامی اسلام نقل نموده است. همان گونه که از طریق ابن شنبوذ مشخص است یک وجه قرائت وی به قراء سبعة باز می‌گردد و همچنین وی راوی قرائت ابن محیصن از قراء چهارده‌گانه نیز می‌باشد.

به منظور سنجش قرائت ابن شنبوذ باید قرائت او را از طریق منابع موجود در دانش قرائات پیگیری نمود یکی از راه‌های به دست آوردن قرائت وی مراجعه به قرائت ابن محیصن است؛ زیرا ابن شنبوذ راوی قرائت ابن محیصن است که از این طریق می‌توان به قرائتش پی برد. همچنین در منابعی که قرائات شاذ جمع آوری شده می‌توان قرائتش را استخراج کرد. در پژوهش پیش رو منابع قرائات چهارده‌گانه و قرائات شاذ بررسی و قرائت ابن شنبوذ استخراج شده است و آن گاه با توجه به این که امکان ذکر همه قرائتش نبود تنها مواردی را که در اصول یا فروع قرائی قرائتش با قراء سبع در تناقض است در متن نوشتار یک به یک توضیح داده شده است.

الف) اصول قرائی منحصر به فرد ابن شنبوذ

اختلاف قرائت قراء به دو دسته کلی اصول قرائی و فروع قرائی قابل تقسیم است و مراد از اصول قرائی، احکام عام و کلی چون اماله، قصر، ادغام و... است که شکل قواعد به خود می‌گیرند و می‌توان آن‌ها را به تمام کلمات قرآنی سرایت داد (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم، بی‌تا: ۱۶۴). هر چند ابن شنبوذ در اماله، ادغام، همزه، یاء قرآنی خاص دارد؛ اما در هر یک از موارد معمولاً قرائتش بر یکی از قراء سبعة منطبق است تنها در مواردی انگشت شمار اصول قرائی وی خارج از قرائت قراء سبعة است که می‌توان از این نمونه به موارد زیر اشاره کرد.

- واژه «الْتَنَاهُمْ» در آیه شریفه: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ (طور/ ۲۱) را «لْتَنَاهُمْ» به اسقاط همزه و کسر لام خوانده است. این وجه قرائی، قرائت ابن مسعود، ابی بن کعب، اعمش، حسن، حلوانی و طلحة بن مصرف است (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، ۲۰۰۶: ۲/ ۲۸۲؛ ابن جنی، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات والإيضاح عنها، ۱۴۲۰: ۲/ ۳۴۰). قابل ذکر است بحث همزه در منابع دانش قرائات از اصول قرائی دانسته می‌شود.

- واژه «کافرین» در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا قَرِيْبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۰) را به صورت اماله متوسط خوانده است. این وجه قرائی تنها از طریق ابوالقاسم هذلی از ابن شنبوذ از قنبل روایت شده است (شکری، قراءه الإمام نافع، ۲۰۰۳: ۱۱۱؛ ابن القاصح، قرة العين فى الفتح والإماله و بین اللفظین، ۲۰۰۵: ۱۳۳).

دانی در این زمینه می نویسد: «وعلمائنا مختلفون فى أى هذه الأوجه أوجه وأولى قال، واختار الإمالة الوسطى التى هى بین بین؛ لأن الغرض من الإمالة حاصل بها، وهو الإعلام بأن أصل الألف الياء أو التنبيه على انقلابها إلى الياء فى موضع، أو مشاكلتها للكسر المجاور لها أو الياء»^[۱] (جزرى، غاية النهایه فى طبقات القراء، ۱۴۲۹: ۲/ ۲۴).

- واژه «تخزونی» در آیه ﴿وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ﴾ (هود/ ۷۸) را به اثبات یاء در وصل و وقف قرائت کرده است و تنها قنبل از طریق ابن شنبوذ و یعقوب به این وجه خوانده اند (عبد اللطیف الخطیب، معجم القرائات، بی تا: ۴/ ۱۱۲). در حالی که قراء سبعه در وصل و وقف بدون حرف یاء تلاوت نموده اند.

- ابن شنبوذ در آیه شریفه: ﴿أَرْسَلُهُ مَعَنَا عَدَا يَرْتَع وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (یوسف/ ۱۲) واژه «نرتعی» را در وصل و وقف با ثبوت حرف یا خوانده است بر اساس این وجه حرف عله در هنگام جزم ثابت می ماند و تنها حرکت مقدر بر آن حذف می گردد و این وجه قرائی تنها از ابن شنبوذ نقل شده است و جمهور قراء «یرتَع و یلعب» با حذف حرف عله در وصل و وقف خوانده اند (ابوحیان، البحر المحیط، ۱۴۲۰: ۵/ ۲۸۵). ابوحیان به نقل از ابن عطیه این وجه قرائی را ضعیف و تنها مختص به شعر دانسته است (عبد اللطیف الخطیب، معجم القرائات، بی تا: ۴/ ۱۹۵).

- «إتبعنی» در آیه شریفه ﴿فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران/ ۲۰)؛ را در وصل و وقف با اثبات حرف یا خوانده است و جمهور قراء در وصل و وقف حرف یاء را حذف کرده اند. تنها ابوعمر و در وصل با ثبوت حرف یا و در وقف با حذف حرف یاء خوانده است (همان، ۴۶۵/ ۱). این وجه از قرائت را نیز می توان از مواردی دانست که تنها مختص به ابن شنبوذ است.

- واژه «حامی» در آیه «مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِيَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده/ ۱۰۳) را در وقف با یاء خوانده است و این وجه قرائی در کتابل الکامل تنها از ابن شنبوذ روایت شده و دیگر قراء در وصل و وقف به حذف حرف یاء خوانده‌اند (همان، ۲/ ۳۵۰).

- واژه «المهتد» در آیه شریفه: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَحِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءٌ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيًَّا وَبُكَمًا وَصُمًّا مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا» (اسراء/ ۹۷) را به اثبات یا در وقف و وصل قرائت می نماید که این وجه نیز تنها به وسیله قبل از ابن شنبوذ نقل شده است (القباقبی، ایضاح الرموز و مفتاح، ۲۰۰۳: ۲۵۸). البته یعقوب از قراء عشر نیز به همین وجه قرائت کرده است.

- وی در آیه «سَدَّغُ الرَّيَانِيَّةَ» (علق/ ۱۸) واژه «سندعو» را در وقف و وصل با اثبات حرف واو خوانده است (عبد اللطیف الخطیب، معجم القرائات، بی تا: ۵۱۱/ ۱۰) که این وجه قرائی از قراء سبعة روایت و قرائت نشده است.

ب) فرش الحروف منحصر به فرد ابن شنبوذ

یک قسم از اختلاف قرائات تحت عنوان فرش الحروف یا فروع قرائی است. فرش الحروف موارد جزئی و یا منحصر به فرد در قرائت است که معمولاً تحت ضوابط و قواعد عمومی نمی گنجد، مانند اختلاف در زیادت و نقصان حرف در کلمه‌ای، اختلاف در حرکات و سکنات و اعراب کلمه و تشدید، اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمه و اختلاف در تبدیل حرف (ستوده‌نیا، نگرشی بر قرائت عاصم به روایت شیعه، ۱۳۸۱: ۲۰). در قرائت فرش الحروف نیز ابن شنبوذ در بیشتر موارد قرائتش بر قرائت یکی از قراء سبعة هماهنگی دارد مگر تنها در مواردی که قرائتش بر قرائت صحابه تطابق دارد که می توان به موارد زیر اشاره نمود.

- آیه شریفه: «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (جمعه/ ۹) را «فَامْضُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» تلاوت کرده است که آن را قرائت امام علی (علیه السلام)، عمر بن خطاب و ابن مسعود، ابن عباس و ابی بن کعب دانسته‌اند (ابوحیان، البحر المحيط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۸/ ۲۶۸؛ خولة عبید الدلیمی، قراءة ابی بن کعب درسه، ۲۰۰۷: ۱۲۶).

- آیه شریفه «كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (قارعه/ ۵) را به صورت «كَالْصُوفِ الْمَنْفُوشِ» تلاوت کرده که آن را قرائت ابن مسعود و سعید بن جبیر می دانند (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۳۴).

- آیه «وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ» (واقعہ/ ۸۲) را به صورت «وَتَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ» قرائت کرده است که این وجه از قرائت را قرائت ابن عباس دانسته‌اند و در برخی نقل‌ها این وجه قرائی به امام علی (علیه السلام) نیز منسوب است (ابن جنی، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ، ۱۴۲۰: ۲/ ۳۶۱).

- آیه «كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا» (کھف/ ۷۹) را به صورت «كُلَّ سَفِينَةٍ صَالِحَةٍ غَصْبًا» تلاوت کرده است. ابی بن کعب، ابن مسعود و ابن عباس و عثمان بن عفان نیز آن را بر این وجه خوانده‌اند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۱۶/ ۳۰۲، قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱۱/ ۳۴).

- آیه «نَنْجِيكَ يَبْدَنِيكَ» (یونس/ ۹۲) را به صورت «نَنْجِيكَ يَبْدَنِيكَ» قرائت کرده است. ابی بن کعب، و محمد بن السمیف، و ابن مسعود، و أبو السمال به این صورت خوانده‌اند (ابو حیان اندلسی، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۴۲۰: ۵/ ۱۸۹، خولة عبید الدلیمی، قراء ابی بن کعب دراسه، ۲۰۰۷: ۱۰۷).

- اولین آیه سوره مسد «تَبَّتْ يَدَا أَيْ لَهَبٍ وَتَبَّ» را به صورت «تَبَّتْ يَدَا أَيْ لَهَبٍ وَتَبَّ» خوانده است. روایت شده است ابی بن کعب، ابن مسعود و اعمش بر این وجه قرائت کرده‌اند (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۳۰/ ۲۱۷؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۲۰/ ۲۳۴).

- آیه شریفه «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ» (سبا/ ۱۴) به صورت «تبينت الانس إن الجن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا حولاً» از ابن شنبوذ نقل کرده‌اند که قرائت ابن عباس و ابن مسعود می‌باشد (عبد اللطیف الخطیب، معجم القرائات، بی‌تا: ۷/ ۳۵۰). در این وجه قرائی عبارت «الانس» بر «الجن» مقدم و واژه «حولاً» اضافه شده است.

- آیه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴) را با زیادتى «وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَسْتَغِيثُونَ اللَّهَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» خوانده است این قرائت را به عبد الله بن زبیر، ابن مسعود و عثمان بن عفان نسبت داده‌اند (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۳۵-۳۴).

- آیه شریفه ﴿كَانَ وَرَائِهِم مَلَكٌ﴾ (کهف/ ۷۹) را به صورت «کان أمامهم ملک» خوانده است. این وجه قرائت ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب و ابن جبیر دانسته شده است (طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۲: ۶/ ۱۵۴؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۳۶۴ش: ۱۱/ ۳۴).

- آیه ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ (لیل/ ۳) را با نقصان به صورت «والذکر والأُنثی» خوانده است که قرائت ابن مسعود و ابن عباس است (ابن جنی، المحتب فی تبیین وجوه شواذ، ۱۴۲۰: ۲/ ۴۳۱).

- ابن عطیه در تفسیر خود از ابن ابی حاتم نقل کرده که ابن شنبوذ آیه ﴿إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ (انفال/ ۷۳) را به صورت «وَفَسَادٌ عَرِضٌ» خوانده است که این وجه قرائی تنها از وی نقل شده است (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۳۴؛ جزری، غایة النهایه فی طبقات القراء، ۱۴۲۹: ۲/ ۵۱؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۱۴۲۲: ۶/ ۳۹۳).

- آیه ﴿قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا﴾ (فرقان/ ۷۷) را به صورت «فَقَدْ كَذَّبَ الْكَافِرُونَ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» خوانده است که این وجه قرائت ابن مسعود، ابن زبیر و ابن عباس است (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۳۴؛ ابن جنی، المحتب فی تبیین وجوه شواذ، ۱۴۲۰: ۶/ ۵۱۸؛ ابن خالویه، مختصر فی شواذ القرآن، بی تا: ۱۰۵؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۱۱۷).

سنجش قرائت و معیارهای اختیار قرائت ابن شنبوذ

قبل از آن که به بحث قرائت بپردازیم و میزان هماهنگی این قرائت با قرائت قراء سبعة و صحت وجه قرائی وی را بررسی نماییم باید به چند موضوع توجه داشت. اولین مسأله این است که ابن شنبوذ در قرائات اختیار داشته و این اختیار از نگاه برخی هم عصیان وی چون ابن مجاهد مردود بوده است. عبدالواحد بن ابی هاشم می گوید: «کسی از ابن مجاهد پرسید: چرا شیخ قرائتی خاص اختیار نمی کند؟ او در پاسخ گفت: نیاز ما در حفظ دستاوردهای ائمه پیشین، بیش از آن است که قرائتی اختیار کنیم تا پس از ما رواج یابد» (ذهبی، تذکره الحفاظ، ۱۹۶۸: ۲/ ۵۳۷). و بر همین اساس قرائات را که در زمان او رویه فزونی و غیرقابل شمارش بود منحصر به هفت قرائت نمود. و برای انحصار قرائات به هفت، معیارهایی داشت که در کتاب خود به آن ها اشاره کرده است. و این معیارها مطابق معیارهای ابن شنبوذ نبود و ابن شنبوذ با معیارهای خود قرائت دیگری را اختیار نموده بود. اما قبل از بیان معیارها مفهوم اختیار قرائت باید روشن گردد.

اختیار به معنای عام که از تعریف لغوی آن به دست می‌آید، همان برگزیدن و انتخاب کردن است که این معنا در کتاب‌های علمای قرائت دیده می‌شود که می‌گویند: «اختار فلان کذا» یعنی فلانی، این وجه را انتخاب و گزینش کرد. از نمونه‌های آن کلام ابن جزری است که در بخش احکام میم ساکن می‌گوید: «از موارد دیگر اخفاء در نزد باء است که حافظ ابوعمر و دانی و برخی دیگر از محققین آن را اختیار نموده‌اند و آن روش ابوبکر بن مجاهد و سایرین هم هست. البته برخی چون ابوالحسن احمد بن منادی آن را کاملاً اظهار می‌کنند که این مورد اختیار مکی بن ابی طالب است» (ابن جزری، غایة النهایة فی طبقات القراء، ۱۴۲۹: ۱/۲۲۲).

اما اختیار علاوه بر معنای عام در کلام قراء، دارای یک معنای خاص هم هست که می‌توان از خلال کتاب‌های علمای دانش قرائت به دست آورد. اشاره به معنای خاص اختیار در نزد قراء، در کلام ابن مجاهد مشاهده می‌شود، وی در پاسخ به مردی که از او می‌پرسد: چرا شیخ برای خود قرائتی اختیار نمی‌کند؟ می‌گوید: «نحن أحوج إلی أن نعمل أنفسنا فی حفظ ما مضی علیه أئمتنا، أحوج منا إلی اختیار حرف یقرأ به من بعدنا»^[۲] (ذهبی، سیر اعلام النبء، ۱۴۱۳: ۲/۵۳۷). این سخن ابن مجاهد بین کلمات نقل، اختیار و روایت اختیار تفاوت می‌گذارد و راوی اختیار، صاحب اختیار نیست. به عبارت دیگر بین فردی که یک وجه از قرائت را اختیار می‌کند با کسی که قرائت او را روایت می‌کند، تفاوت است.

مکی بن ابی طالب می‌گوید: «وهؤلاء الذین اختاروا إنما قرؤوا بقراءة الجماعة و بروایات، فاختار کل واحد منهم مما قرأ و روی قراءة تنسب إلیه بلفظ الاختیار»^[۳] (مکی بن ابی طالب، الكشف عن الوجوه القرائات السبع، ۱۴۰۴: ۱/۱۰۰).

عبارت بالا نشان می‌دهد که اختیار به معنای آن مواردی است که قاری از بین منقولاتش برگزیده است و قرائتی را روایت می‌کند که با لفظ اختیار به وی نسبت می‌دهند.

از معاصرین، دکتر عبدالعزیز قارئ در تعریف اختیار و حقیقت آن می‌گوید: هر قاری از قراء عشر یا غیر آن، قرائت قرآن را از تعدادی از شیوخ اخذ می‌کند و سعی می‌کند از تعداد زیادی قرائت قرآن را فرا گیرد، بنابراین به نقاط مختلف سفر می‌کند. اما هنگامی که شروع به خواندن می‌کند، هر آن‌چه را که شنیده است، نمی‌خواند بلکه تنها برخی از مسموعاتش را گزینش کرده و تنها آن‌ها را قرائت می‌کند، یعنی قاری برخی از منقولات خود را هنگام خواندن اختیار می‌کند و می‌خواند، این مفهوم اختیار است (القارئ، حدیث الاحرف السبعة، ۱۴۲۳: ۱۸۱).

اختلاف و درگیری بین ابن شنبوذ و ابن مجاهد بر سر قرائت ابن شنبوذ بود که از نگاه ابن مجاهد و با معیارهای وی قرائت ابن شنبوذ قرائتی شاذ به شمار می‌رفت. حال باید دید معیارهای ابن مجاهد به عنوان رقیب ابن شنبوذ در صحیح دانستن قرائت چه بوده است تا بتوان به بررسی و نقد دقیق معیارهای ابن شنبوذ پرداخت.

ابن مجاهد دو معیار جهت اختیار قرائت صحیح داشت. اولین شرط وی این بود که قاری باید از شخصیت‌هایی باشد که قرائت وی از سوی مردم سرزمین و منطقه‌ای که او در آن به سر می‌برد به اتفاق مورد تأیید قرار گیرد و دوم آن که باید اجماع و اتفاق و تأیید مردم منطقه قاری درباره قرائت وی مبتنی بر کارایی علمی و عمیق او در قرائت و لغت باشد (فضلی، تاریخ قرائت قرآن کریم، بی‌تا: ۱۴۳).

اما در بررسی و نقد قرائات صحیح، ابن مجاهد عملاً سه ملاک اصلی دارد: الف) قرائت مبتنی بر روایت و سند آن متصل به رسول خدا و از منابع معتبر نقل شده باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/ ۷۹).

ب) راوی در عصر خود عملاً از شهرت و اعتبار لازم برخوردار باشد (زرکشی، ۱۴۰۸: ۱/ ۳۰۳).

ج) قرائت با رسم الخط مصحف هماهنگ باشد (همان، ۳۲۹). اختلاف ابن مجاهد با ابن شنبوذ بر سر هماهنگی قرائت با رسم الخط مصحف بود. بررسی قرائت‌های منقول از ابن شنبوذ به خوبی نشان می‌دهد اغلب قرائت ابن شنبوذ همان قرائت قراء سبعه است. می‌توان گفت ابن شنبوذ بیشتر قرائت‌های خود را از قراء سبعه اختیار نموده و تنها در برخی موارد از قراء عشر یا چهارده‌گانه اختیار کرده است.

ابن شنبوذ در اصول قرائی در نه مورد خارج از قرائت قراء سبعه خوانده است و در فرش الحروف نیز در یازده مورد مطابق با قرائت صحابه بزرگ چون ابن مسعود، ابی بن کعب، ابن عباس و امام علی علیه السلام قرائت کرده است که این وجوه از قراء سبعه یا عشر قرائت نشده است. اما از این میان تنها یک مورد در فرش الحروف و چهار مورد در اصول قرائی وجود دارد که منحصرأً ابن شنبوذ بر آن وجه خوانده است و هیچ قاری دیگری و حتی صحابه نیز به این وجه نخوانده‌اند.

پس از لحاظ آماری قرائت ابن شنبوذ به صورتی نیست که گفته شود او در عمل به قرائت‌های شاذ پایبند بوده است، بلکه تنها اختلاف ابن شنبوذ با ابن مجاهد در یکی از معیارهای قرائت یعنی رسم المصحف است.

ابن شنبوذ دو معیار برای قرائت صحیح دارد:

۱. قرائت مبتنی بر روایت و از منابع معتبر نقل شده باشد. و مراد ایشان از روایت و منابع معتبر، مواردی را هم که صحابه چون ابن مسعود، ابی بن کعب و بقیه نقل نموده‌اند شامل می‌شود به همین سبب در پنج مورد که در فرش الحروف با قراء سبع اختلاف دارد همه مواردی است که از طریق صحابه نقل شده است (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ۱۴۰۵: ۱۴۷).

۲. قرائت مطابق با نحو عربی باشد (همان).

آن چه ابن مجاهد به عنوان سند محکم در برابر ابن شنبوذ می‌ایستد و او را به دادگاه می‌کشاند و به زندان می‌اندازد ادعای مخالفت قرائت ابن شنبوذ با رسم المصحف است. رسم المصحف از نگاه منابع متأخر علوم قرآن در حقیقت همان نگارش کلمات قرآن است و از آن به رسم عثمانی نیز تعبیر می‌شود (تفکری، پژوهشی در رسم المصحف، ۱۳۸۸: ۷۶) منشأ این رسم الخط مصحف عثمانی است که در زمان عثمان جمع آوری و نوشته شده است (کردی، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، ۱۹۰۳: ۳).

اگر مراد ابن مجاهد از هماهنگی قرائت با رسم المصحف، هماهنگی قرائت با نگارش کلمات قرآن در مصحف عثمانی باشد که این ایراد ابتدا به خود ابن مجاهد وارد است؛ زیرا در کتاب السبعه قرائاتی را صحیح دانسته که با رسم عثمانی سازگاری ندارد. ابن مجاهد قرائت‌هایی را که در ظاهر مخالف رسم مصحف هستند، مثل سین به جای صاد را می‌پذیرد (دانی، بی تا: ۱۳۰) چنان‌که پیش از او نیز قرائی همانند ابن کثیر، ابوعمر و حمزه همین گونه عمل کرده‌اند. باید پذیرفت معنای رسم المصحف در نظر ابن مجاهد و این قاریان آن چیزی نیست که امروز ما از آن می‌فهمیم. به طوری که از ماجرای ابن شنبوذ به راحتی می‌توان دریافت معنای موافقت قرائت با رسم المصحف نزد ابن مجاهد رد و مخالفت با قرائت امثال ابن مسعود بوده است؛ زیرا وی همه موارد اختلافی در قرائت قراء سبعه را که با رسم سازگاری ندارد پذیرفته و به خاطر کم یا زیاد بودن حروف آن‌ها را تخطئه نکرده است ممکن است گفته شود که ابن مجاهد معتقد بوده که مصاحف هم به همان شیوه نوشته شده و لذا قرائت منطبق بر کتابت بوده است در پاسخ باید گفت: که بله در پاره‌ای موارد ابن مجاهد اشاره کرده است که «کذلک فی مصاحفهم» ولی در پاره‌ای موارد هرگز به چنین اختلافاتی در مصاحف اشاره ننموده است به خصوص در موردی همانند قرائت ابوعمر و «واکون من الصالحین» که دانی تصریح کرده در

مصاحف بدون واو نوشته شده است (همان، ۱۳۱) بنابراین یادآور می‌شود از این گونه نقل‌ها و امثال آن این گونه برداشت می‌شود که رسم المصحف از دیدگاه عده‌ای زیادی به معنای فعلی آن نبوده است بلکه به معنای طرد و نفی قرائات منسوب به ابن مسعود و ابی و دیگران می‌باشد. بنابراین رسم مصحف در نزد ابن مجاهد که به خاطر آن ابن شنبوذ را به دادگاه می‌کشاند به معنای پایبندی ابن شنبوذ به قرائات منسوب به ابن مسعود و ابی بن کعب و دیگران بوده است که این قرائات مخالف مصحف عثمانی است (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۴: ۶۵).

از سویی ابن مجاهد نمی‌تواند با ابن شنبوذ در مسأله اختیار قرائت مشکلی داشته باشد؛ زیرا ابن مجاهد خود نیز دست به اختیار زده و قرائت هفت قاری را برگزیده است و در مورد خود ابن مجاهد برخی عقیده دارند از آثار ابن مجاهد بر می‌آید که وی فقط انتقال دهنده قرائت نبوده است و از میان قرائات مشهور قرائتی را برای خود گزینش کرده که گفته شده به روایت قبل از ابن کثیر بسیار نزدیک است (پاکتچی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰: ۴/۵۸۲). اختیار قرائت در نزد ابن شنبوذ نیز به معنای ایجاد قرائت و خوانش جدید از متن مقدس قرآن نبوده است بلکه کار ابن شنبوذ همان کاری است که نافع انجام داده است و از میان هفتاد قرائتی که شنیده یک وجه را اختیار کرده است.

عمل ابن شنبوذ تنها منحصر به وی و کاری جدید نبوده است که مستحق عقاب بوده باشد بلکه مطالعه منابع اولیه قرائات و تفاسیر در قرن اول و دوم نشان می‌دهد این دیدگاه که اکنون در قرن چهارم ابن شنبوذ مروج آن است در گذشته نیز به عنوان یک جریان رایج قرائی وجود داشته و برای خود نیز طرف‌دارانی داشته است. عثمان در صدد توحید مصاحف برآمد تا قرائات را یکسان سازد اما هرگز موفق نشد بلکه جریان مخالف مصاحف عثمانی همچنان قرائت‌های دیگر را ترویج و نشر می‌دادند. به عنوان نمونه نحوه برخورد فراء (۲۰۷ق) با اختلاف قرائات نشان از آن دارد که این قرائت‌ها در قرن دوم همچنان می‌توانستند هم ردیف و مساوی با مصاحف عثمانی مطرح شوند. اصل اساسی برای پذیرش یک قرائت، ظاهراً شهرت قرائت بوده است؛ بدین معنا که برگرفته از مصحف یا یک روایت موثق باشد.

فراء قرائات دارای رسم متفاوت را در کتاب معانی القرآن بسیار نقل می‌نماید (فراء، معانی القرآن، بی تا: ۳۲۸/۲). اما برخلاف فراء، ملاک اصلی اخفش برای عدم پذیرش چنین قرائت‌هایی این است که به رغم صحت آنها از حیث قواعد زبان عربی، موافق با کتابت مصحف یا متن عثمانی نیستند. این استدلال برای اخفش در درجه اول اهمیت و ظاهراً اصل بنیادین او می‌باشد.

اختلاف عقیده میان اخفش و فراء بر سر این مسئله نشان می دهد که تا پایان قرن دوم هجری، هنوز این مشاجره‌ها و گفت‌وگوها حل نشده باقی مانده بود. و این دو طیف هر کدام برای خود طرف‌دارانی داشته‌اند و این نزاع‌های کلامی در قرائت وجود داشت تا ابن مجاهد سعی نمود در قرن چهارم آن را برای همیشه ریشه‌کن نماید.

البته پس از ابن مجاهد و مخالفت او با دیدگاه و معیار ابن شنبوذ باز هم این جریان قرائی خاموش نشد و عده‌ای به معیارهای ابن شنبوذ پایبند ماندند. معافی شاگرد ابن شنبوذ از این دسته است. معافی در درس ابن شنبوذ حاضر شده و از ابن مجاهد روایت نکرده، این موضوع می‌تواند نشانه‌ای از گرایش معافی به افکار ابن شنبوذ در مورد عدم شدوذ قرائات غیر سبعة در برابر ابن مجاهد که به قرائات سبعة رسمیت بخشیده بود، باشد. شایان ذکر است که یکی از مؤثرترین اسلاف در معافی، یعنی طبری نیز در کتابی که در قرائت تألیف کرده بود، بسیاری از قرائات غیر سبعة را مورد توجه قرار داده بود (ابن جزری، غایة النهایة، ۱۴۲۹: ۱/ ۳۴). به رغم اینکه معافی راویان زیادی در قرائت داشت (همان، ۲/ ۳۰۲). و کتابی در قرائات تألیف کرده (ابن ندیم، الفهرست، ۱۴۱۷: ۲۹۳)، روایات او چنان که انتظار می‌رود، در کتاب‌های قرائت وارد نشده و تنها هذلی (د ۴۱۵ق) در کامل در سطحی وسیع (ابن جزری، غایة النهایة، ۱۴۲۹: ۱/ ۳۴). و دیگران چون ابومعشر طبری (د ۴۷۸ق) در تلخیص، سبط خیاط (د ۵۴۱ق) در کفایه و ابن فتحان (د ۵۵۰ق) در مصباح تا حدودی روایات او را مورد توجه قرار داده‌اند (همان، ۱/ ۱۱۹). شاید رابطه معافی با ابن شنبوذ در این کم‌توجهی بی‌تأثیر نبوده باشد. همین کم‌توجهی‌ها در کنار نفوذ سیاسی اجتماعی ابن مجاهد باعث شد جریان قرائی ابن شنبوذ در حاشیه قرار گیرد به گونه‌ای که منابع احتجاج قرائات که در اواخر قرن چهارم و قرن‌های بعدی تألیف شدند یکی از موارد احتجاج خود را احتجاج به رسم المصحف دانستند. این مسأله مهم است که ابن شنبوذ در قرائت از میان قرائات مشهور که بیشتر نیز از قراء سبعة هستند قرائت می‌کرده مگر در اندک مواردی که به قرائت ابن مسعود و ابی بن کعب و سایر صحابه می‌خوانده است.

نتیجه

پس از توحید مصاحف دو جریان فکری در قرائت قرآن کریم شکل گرفت جریانی که همه وجوه قرائی را رد می نمود و تنها قرائت هماهنگ با مصحف امام را صحیح می دانست و جریانی که قرائت بر اساس سایر مصاحف صحابه را نیز صحیح و مقبول می دانست. در قرن چهارم ابن مجاهد تصمیم گرفت برای همیشه قرائت غیر مصحف امام را از بین ببرد بنابراین معیار هماهنگی قرائت با رسم مصحف را عنوان کرد که از نگاه وی این معیار به معنای رد قرائت مصاحف دیگر چون مصحف ابی بن کعب و ابن مسعود و ... بود. درگیری و اختلاف وی با ابن شنبوذ بر سر این موضوع بود که وی قرائت صحابه بزرگ را به دلیل سند و اعتبار منابع مقبول می دانست و به آن وجوه می خواند موضوعی که در قرون دوم و سوم نیز رایج بوده و امثال فراء با آن هیچ مخالفتی نکرده بودند.

اما ابن مجاهد برای تثبیت قرائت های هفتگانه از موضع قدرت پیش آمد و چنان برخورد سخت با ابن شنبوذ داشت که عده ای تصور نمودند ابن شنبوذ خوانشی اجتهادی از متن قرآن را ارائه می نموده است و اعتقادی به تکیه بر متن مکتوب قرآن کریم نداشته است در حالی که بررسی قرائت ابن شنبوذ نشان می دهد در بیشتر موارد قرائتش هماهنگ با قراء سبعة است که ابن مجاهد آن قرائت ها را برگزیده است و تنها در نه مورد در اصول قرائی و یازده مورد در فرش الحروف به قرائتی خارج از قرائات سبعة خوانده است که این اختلاف بسیار ناچیز و اندک است.

پی نوشت ها

[۱] دانشمندان ما در این مسأله که کدام یک از این وجوه برتر است، اختلاف نظر دارند و اماله متوسط را که ما بین است، اختیار نموده اند؛ زیرا با این نوع از اماله هدف از اماله حاصل می گردد که هدف بیان این موضوع است که اصل الف، یاء بوده یا تذکر بر تبدیل آن به یاء در برخی مواضع است یا این که دلالت بر مشاکلتش به کسره یا مجاورت آن با کسر یا یاء دارد.

[۲] ما بیش از آن که احتیاج به اختیار وجهی قرائی داشته باشیم تا بعد از ما دیگران به این وجه بخوانند به حفظ آن چه از ائمه قرائت پیشین برای ما نقل شده است محتاجیم.

[۳] کسانی که اختیار نموده اند تنها به قرائت جماعت و روایات نقل شده خوانده اند پس هر کدام از اینان از آن چه خوانده شده است اختیار کرده اند بنابراین قرائتی را که روایت می نمایند با لفظ اختیار به آنها نسبت داده می شود.

منابع

۱. ابن القاصح، علی بن عثمان، قرۃ العین فی الفتح والإمالۃ و بین اللفظین، تحقیق ابراهیم محمد الجرمی، الاردن: دار عمار للنشر والتوزیع، ۲۰۰۵م.
۲. ابن جنی، عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القرائات والإيضاح عنها، به کوشش علی نجدی ناصف و دیگران، قاهره: وزارت اوقاف، ۱۴۲۰ق.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن خالویه، حسین بن محمد، مختصر فی شواذ القرآن من کتاب البدیع، تحقیق: ج. برجشتراسر، دارالهجره: بی تا.
۵. ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دارالصادر، بی تا.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۷. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، به کوشش ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۷ق.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۱. پاکتچی، احمد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، تهران: ۱۳۷۰ش.
۱۲. تفکری، حسن، پژوهشی در رسم المصحف، تهران: انتشارات تلاوت، سازمان دارالقرآن الکریم، ۱۳۸۸ش.
۱۳. جزری، محمد بن محمد، النشر فی القرائات العشر، قدم له الشیخ محمد الضباع، و خرج آیاته الشیخ زکریا امیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.
۱۴. ابن جزری، محمد بن محمد، غایة النهاية فی طبقات القراء، طنطا مصر: دارالصحابه للتراث، ۱۴۲۹.
۱۵. خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، مصر: ۱۳۴۹ق.

۱۶. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بی نا: بی تا.
۱۷. خولة عبید الدلیمی، قراءة أبي بن كعب دراسة نحوية ولغوية، بیروت: دار الكتب العلمية، ۲۰۰۷م.
۱۸. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، معرفة القراء الكبار على الطبقات والاعصار، تحقیق بشار عواد معروف و غیره، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۴ق.
۱۹. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، سير اعلام النبلاء، تحقیق شعيب الارناؤوط و محمد نعيم العرقسوسی، چاپ نهم، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۲۰. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، تذکره الحفاظ، حیدرآباد: دکن، ۱۹۶۸م.
۲۱. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲۲. ستوده‌نیا، محمدرضا، نگرشی بر قرائت عاصم به روایت شعبه و تأثیر آن بر تفسیر شیعی در عهد صفویه، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، سال چهاردهم، شماره ۲، ۱۳۸۱ش.
۲۳. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۰۸ق.
۲۴. شکری، احمد خالد، قراءة الإمام نافع من روايتي قالون وورش من طريق الشاطبية، دار عمار للنشر والتوزيع، ۲۰۰۳م.
۲۵. صغیر، محمد حسین علی، دراسات قرآنية، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۶. صفدی، خلیل، الوافی بالوفیات، به کوشش س. ددرینگ، استانبول: ۱۹۴۹م.
۲۷. ضیائی، علی اکبر، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۲۸. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۲۹. عبد اللطیف الخطیب، معجم القرائات، دمشق: دار سعد الدین للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
۳۰. فراء، یحی بن زیاد، معانی القرآن، تحقیق محمد علی نجار، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۳۱. فضلی، عبدالهادی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر حجتی، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۰۵.

۳۲. القارئ، عبدالعزيز بن عبدالفتاح، حديث الأحرف السبعة، بيروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۲۳ق.
۳۳. القباقي، شمس الدين محمد بن خليل، إيضاح الرموز ومفتاح الكنوز في القرائات الأربع عشرة، دراسة وتحقيق: أحمد خالد شكرى، دار عمار للنشر والتوزيع، ۲۰۰۳م.
۳۴. قرطبي، محمد بن احمد، الجامع الاحكام القرآن، بيروت: دارالفكر، ۱۳۶۴ش.
۳۵. كردى، محمد طاهر، تاريخ القرآن و غرائب رسمه و حكمه، قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، ۱۹۰۳م.
۳۶. مكى بن ابى طالب قيسى قيروانى، الابانه عن معانى القرائات، به كوشش محيى الدين رمضان، دمشق: بيروت، دارالمأمون للتراث، ۱۹۷۹م.
۳۷. مكى بن ابى طالب، محمد، الكشف عن وجوه القرائات السبع وعللها وحججها، تحقيق: دكتور محيى الدين رمضان، چاپ سوم، بيروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.
۳۸. ياقوت حموى، البلدان، بيروت: دارصادر، ۱۹۹۵م.
۳۹. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۴۰. الزركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۸ق.
۴۱. زندانى، عبدالمجيد عزيز، آيات الله فى الافاق، قاهره: نشر مكتبة القرآن، بى تا.
۴۲. حاجى اسماعيلى، محمدرضا، بررسى تعامل و تقابل بين دو حوزه قرائت و كتابت قرآن از عصر نزول تا تسبيح قرائات، مجله مطالعات اسلامى، مشهد: دانشكده الهيات و معارف اسلامى دانشگاه مشهد، ش ۶۸، ۱۳۸۴ش.
43. Casanova, p, mohammed et lafin dumomde, paris: 1981 .